

وقف و سوگواری

کیمیایی است عجب تعزیه داری حسین (ع)



جابر عناصری

استاد مراسم آیینی و تعزیه شناسی
دانشکده های هنری

ایوب و آره شکافنده بر پیکر زکریای مظلوم و تیغ زهرآبداده
بر حلق یحیای معصوم و الم لب و دندان سرور انبیا و
جگر پاره پاره حمزه سیدالشهدا و محنت اهل بیت رسالت
و مصیبت خانواده عصمت و سرشک دردآلود بتول عذرا و
فرق خون آلوده علی مرتضی (ع) و لب زهر چشیده
نوردیده زهرا (س) و رخ به خون آغشته شهید کربلا و
دیگر احوال بلاکشان و محنت رسیدگان عالی همت، همه
با جان غم اندوخته، در کانون غم و الم سرتاپای
سوخته اند:

آدم در این عزا به غم و غصه مبتلاست
کشتی نوح غرقه طوفان ابتلاست
هان ای خلیل، آتش نمرود دیده ای
این شعله بین که در جگر شاه اولیاست
رنگین چراست پیرهن موسوی ذلیل؟
ود دست غصه جبهه عیسی چرا قیامت؟
گویا برای ماتم سلطان دین؛ حسین (ع)
چندین خروش و ولوله در خیل لیبیاست

دلی پر جرأت و چشمانی گهربار و قلمی پرطغیان و
زبانی بران همچون ذوالفقار علی (ع) می باید تا حدیث
عشق را بنگارد و در عزای ماه شهیدان، جن و انس و ملک
و ساکنان عرش و کرویایان عالم علوی را بگریاند و به یاد
ما بیاورد که

اندر این ماتم ملائک دم به دم بگریستند

جن و انس و علوی و سفلی زغم بگریستند

« ... روز دهم ماه محرم که به نام عاشورا
معروفست، حسین علیه السلام فرزند حضرت
علی (ع) به شهادت رسید. حسین (ع) و خانواده او
در نهایت تشنگی به حمام خون درآمدند و سپس
خیمه هاشان به آتش کشیده شد و تنهاشان در زیر
سم اسپان قرار گرفت. در تاریخ بشری، کسی
شاهد این گونه تساوت نبوده است. »
(ابوریحان بیرونی - آثار الباقیه)

دل بستن به قیام ظهوری و علم حضوری و گسستن از
نفس فرعونی و پیوستن به محرمان درگاه ربّانی، وجد و
شوقی می طلبد تا عشقه ایمان شود و معراج نفس را
بشارت دهد و همدلی با نمونه های کهن عرصه شهادت و
شهدنوشان بزم شهادت را میسور نماید و همنوایی با آدم
صفی الله در سوگ هابیل و جیه الله را به یاد بیاورد که
آری:

... اول کسی که در عالم شعر گفت، آدم بود
علیه السلام. و سبب آن بود که هابیل مظلوم را
قایل مشغوم بکشت و آدم را داغ غربت و ندامت
تازه شد و در مذمت دنیا و مرثیه فرزند شعر گفت.
(تذکره الشمر، دولتشاه سمرقندی)

حال ای عزیز، آخر نظری کن به حسرت آدم صفی و
نوحه نوح نجی و در آتش افتادن ابراهیم خلیل و صبوری
یعقوب در بیت الاحزان و بلیت یوسف در چاه و زندان و
شبان و سرگردانی موسی کلیم و بیماری و بی بیماری



آنچه عاید شود در دههٔ دوم ماه محرم الحرام در مسجد قریهٔ مرقومه به مصارف روضه خوانی از قبیل پول قند و چای و تنباکو و اجرت روضه خوان برسد. صیغهٔ وقف جاری و واقع گردید. واقف مرقوم، تولیت موقوفهٔ مرقومه را مادام الحیات با نفس نفیس خود مقرر داشت و بعد از حیات خود با اولاد ذکور ارشد خودش نسلأ بعد نسل و با انقراض اولاد ذکور متولی مرقومه با امام جماعت قریهٔ مرقومه مقرر شد. فی یوم بیست و نهم شهر شریف شعبان المعظم من شهر مطابق سنهٔ ۱۳۲۸ هجری قمری

در پناه این وقفنامه، گلبانگ عزا از حلقوم اهل وفا برخاسته و مأمنی در مسجد و پناهگاهی در تکیه برای سوگواران در نظر آمده و عظم و خطابهٔ واعظان گرم گفتار پرده از اسرار برداشته و واقعهٔ کربلا را نمایان ساخته است.

در سند دوم از همان ولایت (کاشان) حاجیه بیگم خانم بنت مرحوم حاجی محمد حسن اسحاق آبادی با تکیه بر ذکر: هو المطلاع علی الضمائر و الواقف علی السرائر مجری المیاه نیم طاق آب از جمله یکصد و شصت و دو طاق آب چشمهٔ قلعهٔ نیاسر مشهور به اسکندریه [و سهمها و حصهٔ های دیگر] را بر کافهٔ شیعیان حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام وقف کرده تا همه ساله، منافع حاصله در قریهٔ اسحاق آباد، صرف تعزیت داری حضرت ابی عبدالله الحسین (ع) گردد و در ماه محرم الحرام و صفر المظفر رونق مجالس عزاداری فراهم گردد. در ضمن، واقف - خلاف کننده را به لعنت خدا و نفرین رسول گرفتار می داند و این سند (ذکر تحریر آبی ...) در دوم ربیع الثانی من شهر ۱۲۸۲ هجری قمری، تنظیم می گردد و به مهر ریش سفیدان و معتمدان محل می رسد. باشد تا رو سپیدی این بانوی صالحه در صحرای محشر وسیلهٔ اذن حضور او در کنار صالحان درگاه خداوند باشد. ذکر این نکته بجاست که تحریر و تنظیم این اسناد، همواره به طوع و رغبت بوده و گرد شبهه و تردید در وقف این قراضه های پربرکت بر آئینهٔ مصقای دل واقفان ننشسته است. حتی اگر ثمرهٔ درختی از باغستان معتقدان به وقف قابل باشد، منافع حاصله از فروش آن، به انجام امور خیر - از جمله به مصرف تعزیه داری حضرت سیدالشهدا (ع) - خواهد رسید.

در سند شمارهٔ سه از کاشان، زنده نام حسن آبادی، برپایی محفل مقابله و ختم قرآن و برگزاری مجلس عزا را قرین هم ساخته و حضرت حق را واقف علی السرائر دانسته است و سندی برای موقوفات تنظیم و ثواب اخروی را خواستار شده است:

هو الواقف علی السرائر

غرض از تحریر این سطور خالی از ریب و تصور آن است که بالطوع و الرغبه دون الاکراه و الاجبار در حال صحته و شمول و اختیار وقف مؤبد و حبس مغلد شرعی نمود ... عالی

پس اهل دل ماتمکده ای می آریند از بهر عزاداری آن دردانهٔ ولی خدا و از برای باقیات صالحات و انتساب به شجرهٔ طیبهٔ نیکان و پاکان. اینان وقف جان و مال و ملک و اشجار و نهر و جویبار و چشمه و آب انبار و صحن و سرای پر نقش و نگار را فریضه ای در حد واجب شرعی و عرفی می دانند.

اینجاست که «وقف»، «میراث جاویدان» نام می گیرد. و اسم واقف تا ابد ماندگار می شود و صدقات جاریه و نذورات مستمره ای به نام «واقف» به مصارف خیریه و عمران و آبادی و صرف «تعزیه داری» برای خامس آل عبا و کلیهٔ جان برکف گرفتگان عرصهٔ آزمون الهی در منای عشق ربّانی اختصاص می یابد و وقفنامه های ارزنده به مهر اهل ایشار آذین می گردد تا هرم آتش اجاق مجالس عزاداری - از بهر سر فرازان هزار میدان دل سپاری به حضرت باری - تا اعلیٰ علین برسد و فوج ملایک در تکیه و عزاخانهٔ وقفی شهدا حاضر شوند و دردانه های اشک گلناری بر پهنهٔ رخسار سوگواران شیفته یاری سرازیر گردد و سینه های شرحه شرحه از فراق، همنوا با طبل عزا و حلقوم به غم نشستگان سوخته دل، بازگو کنندهٔ جور اشقیای در صحرای کربلا شود و یا مسجد و محراب علی در نظر آید.

اینجا، غنی و فقیر به قدر همت خود، سهم و حصه ای از نعمات الهی را وقف عزاداری در آیام عاشورا و اربعین و ماه رمضان و ... و لیالی متبرکه می سازند و عدول از این شیوهٔ مرضیه را عین بی اعتنایی به اسوگان دریادل می دانند. بدین سبب از دیرگاه اسناد و مدارکی در این زمینه تحریر یافته که نشان دهندهٔ پیوند «وقف» با «تعزیت و سوگواری» است.

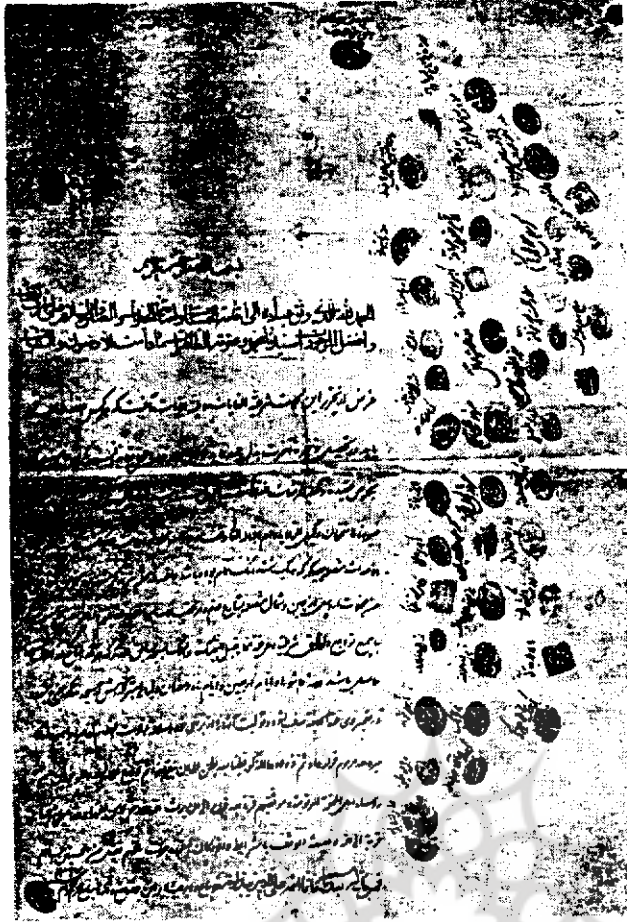
نیم نگاهی به این اسناد، حدود موقوفات و نحوهٔ صرف درآمد حاصله را برای برگزاری مجالس عزاداری روشن می سازد.

اینک با شما سرسپاران مهر الهی و دوستداران برگزیدگان حضرت ربّانی، هم نظر می گردیم و چکیده ای از مطالب مندرج در برخی از اسناد ویژهٔ وقف در بعضی از ولایات ایران (کاشان، یزد، اردبیل) را در مورد سوگواری و منعقد نمودن مجالس عزاداری مرور می نمایم:

نخستین سند، فتوت مردم دارالمؤمنین کاشان را آشکار می نماید. خلاصهٔ این وقفنامه، چنین است:

الحمد لله الواقف

حاضر شد عزت و سعادت پناه آقا مشهدی عبدالحسین کله ای ولد مرحوم آقا محمد کله ای در حالت صحته عقل و وقف مؤبد و حبس مغلد شرعی تمام تمامی مجاری المیاه سه رجه آب من جمله هفتاد و پنج رجه که یک طاق است در مدار هفت شبانه روزو ... به انضمام قطعه سه قفیزی تخمیناً واقع در دشت شهاب آباد در روستای کله، وقف بر حضرت خامس آل عبا - علیه آلاف التحية و الثناء - که همه ساله از منافع موقوفه



اولاد، نسل بعد نسل این امر را رعایت کنند و اگر شیطان لعین ایشان را گول بزند و مخالفت این و قفنامه را بکنند، نسل بعد نسل به لعنت خدا و رسول گرفتار شوند. و اگر کسی این خانه ها را بفروشد یا صیغه اش را به نام دیگری بخواند یا کاغذش را مهر کند، با یزید بن معاویه - علیه اللعنه - محشور شود.

(سنه ۱۳۰۹ هجری قمری)

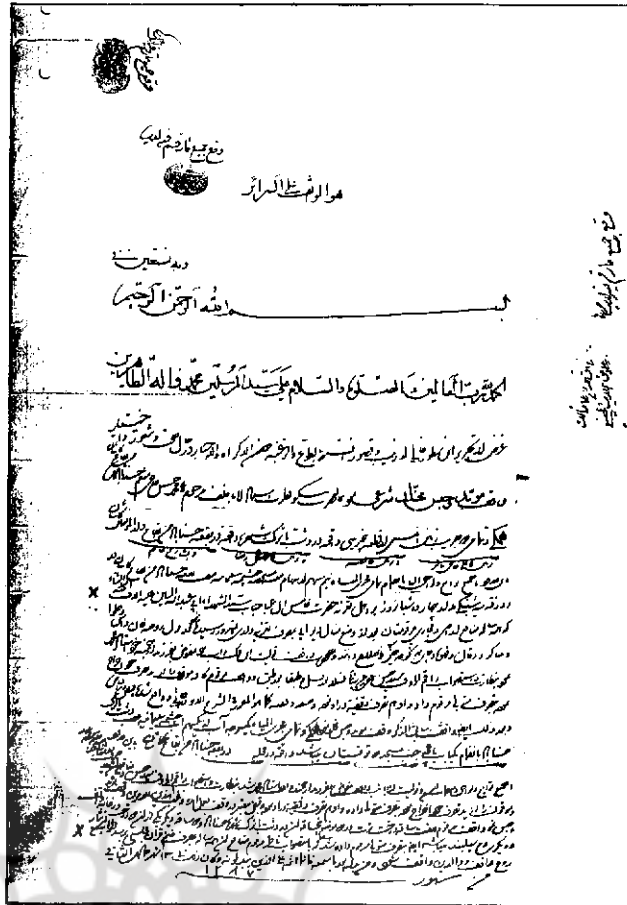
واقفی دیگر، در زمانی سعادت اقران و اوانی بانفحة ربانی توأمان در حالت صحّت مشاعر و حوأس، بالطوع و الرغبة و الاختیار، وقف صحیح شرعی نموده، حاج مؤمن تاجر مازندرانی ساکن کاشان همگی و تمامی پنج دانگ از جمله شش دانگ و ... املاك خود در سوق مدينة المؤمنین کاشان را تمامی مجری المیاء سه طاق از قنات علی آباد ... من توابع قمصر من قرای کاشان را به جهت تعزیه جناب سیدالشهداء ابی عبدالله الحسین - علیه الصلوة والسلام - از برای خیرات و میرات مفصله به طریق و ترتیبی که نوشته می شود و آن این است که هر ساله متولی ملاحظه املاك و مجاری آب مرقومه را نماید، چنانچه محتاج به مرمت و تعمیر بوده باشد، اول از منافع آنها صرف آنها نماید، و بعد از وضع اخراجات لازمه مسطوره و مالیّه و تحمیلات دیوانی آنچه بماند، عشر آن را از برای خود به عنوان حق التّولیه و نصف عشر آن را ناظر از بابت حق النظاره بر دارند و آنچه بماند از منافع موقوفات

حضرت ... حسن آبادی من بقاع کاشان همگی و تمامی دو جریب زمین و ... در بقعه حسن آباد من بقاع دارالمؤمنین کاشان ... به انضمام تمامی مجرة المیاء ... بر اهل تعزیه حضرت خامس آل عبا جناب سیدالشهدا ابی عبدالله الحسین - علیه آلاف التحیة و الثناء - که همه ساله منافع اراضی و مجاری آب مرتومتان - بعد از وضع منال دیوانی - به مصرف تعزیه داری آن سرور رسیده شود. از پول روضه خوان و آش و حلوا و تنباکو و قهوه و چای به هر نحو که صلاح دانند. و حبس نمود واقف مرقوم هفت ساقه درخت توت در دو موضع، پنج ساقه آن در دشت باترك حسن آباد و دو ساقه دیگر یکی از این درخت در خانه واقف و دیگری دم سیلند می باشد ... منافع آن همه ساله مصرف ختم قرآن مجلسی برسد و ثواب آن نثار ارواح واقف و والدین واقف شد.

سیزده شهر جمادی الثانی من شهر ۱۲۸۷ هجری

وقتی سرسپار دیگری از باب اخلاص، دو باب خانه ملکي متصرفی خود را که مشتمل بر خارج و داخل واقع در محله کوشک صفی من محلات کاشان و همچنین اشجار پرثمر را وقف تعزیه داری جناب اباعبدالله الحسین (ع) می کند، می نویسد:

هر ساله بعد از وضع مالیات دیوانی، هر چه عاید شود، خرج تعزیه داری سیدالشهدا گردد و ورثه و



شریک معصیت خونریز جناب سیدالشهدا خواهد بود. تاریخ سند شهر ربیع الاول سنه ۱۲۳۵ هجری قمری است.

سند دیگر از واقفان دل به مهر دارالمؤمنین کاشان را در پیش رو داریم و در آن چنین می خوانیم:

در بهترین وقتی از اوقات و نیکوترین ساعتی از ساعات بالطوع و الرغبة والاختیار دون الاکراه و الابرام و الاجبار خالصاً لوجه الله واقفان - عبدالنبی و آقا محمد کاظم و ماه نساء خانم ... - وقف صحیح شرعی معتمد و حبس صریح اسلامی مؤبد نمودند تمامی و قاطبه یک باب حمام معین معلوم واقع به مدینه المؤمنین کاشان را با توابع و لواحق و منضمات و متفرعات - سیما از مجری المیاه قنات - و هدیه نمودند به روح کثیر الفتوح حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام و مقرر و مشروط آنکه آنچه از منافع و مداخل حمام مزبور به عمل آید اولاً صرف تعمیر و اخراجات ضروریه موقوف مرتقوم شود و بعد از آن آنچه اضافه بماند در مصارف مشروعه تعزیت سیدالشهداء و المظلومین مصرف گردد.

کتاب ذلک فی التاسع عشر من شهر صفر المظفر من شهر سنه ۱۱۸۵ .

حاشیه این سند را ریش سفیدان و معتمدان کاشان، از

مزبور صرف تعزیه داری جناب صدرنشین عرش اعلی خامس آل عبا امام بالحق حسین بن علی المرتضی - علیه آلاف التحیه و الثناء - بنماید به این طریق که هر ساله مقدار بیست من به وزن شاه برنج خرجی و اطعام در تعزیه جناب سیدالشهدا در دهه اول شهر محرم برپای دارد و هر ساله در شهر محرم یک من به وزن شاه برنج در روز عاشوراء صرف تعزیه آن جناب بنماید و یک من به وزن مزبور برنج در بیست و هشتم شهر صفر هر سال صرف آتش آن روز نماید و یک من آرد جهت حلوا در بیست و یکم شهر رمضان المبارک هر سال صرف نماید و آنچه بماند هر سال یک رأس گوسفند به جهت جناب پیغمبر آخرالزمان - صلی الله علیه و آله و سلم - و یک رأس به جهت جناب فاطمه زهرا - علیها التحیه و الثناء - و یک رأس به جهت حضرت عباس بن علی بن ابی طالب در روز عیدغدیر ذبح نموده، به فقرا و مساکین و ارباب استحقاق برساند.

ضمناً از باب وقف، امام جماعت محله کوشک صفی من محلات کاشان را هر ماه سه روپیه دو مثقالی برساند و هر ماه نیم روپیه به جهت خادم آن مسجد و نیم روپیه به جهت روغن چراغ و روشنایی آن مسجد صرف نماید و هر ساله هشتاد روپیه به وصف مزبور صرف آب آب انبار کاشان نماید. و چنانچه به طول زمان این وقفنامه مشرف به اندراس و فرسودگی شود، متولی و ناظر تجدید کاغذ معتبری مطابق همین نمایند که به اضمحلال نرسد و وقف ضایع نشود. و اگر کسی از مندرجات وقفنامه سرپیچد